

آینه

جبهه‌ی اسلامی

سر مقاله: «سهم مردم در تدبیر و اعتدال»

از جمله مواردی که دولت توانسته قاطعیت نشان دهد، اعتراض سریع و آشکار به تحریم‌های غیرقانونی جدید دولت آمریکا علیه ایران است. متوقف‌ساختن مذاکرات کارشناسی مربوط به توافقنامه هسته‌ای و بازگشت هیات مذاکره‌کننده به تهران و همچنین موضعگیری مسوولان وزارت امورخارجه علیه این اقدام آمریکا، از مصادیق برخورد سریع، صریح و قاطع بودند. در بخش خروج از چارچوب اعتدال، می‌توان از کوتاهی‌های دولت یازدهم در زمینه روشن‌ساختن تکلیف بعضی استان‌ها و حتی مسوولیت‌های کلیدی بعضی وزراخانه‌ها نمونه‌های زیادی آورد. البته جمعه، نمایندگان مجلس، بعضی افراد ذی‌نفعه، ستادهای انتخاباتی رییس‌جمهور، جناح‌ها و فعالان سیاسی از شش جهت و با شش گرایش، انتظارات و توقعات متفاوت به دولت فشار وارد می‌آورند و همین امر موجب تاخیر در تعیین استانداران شده. در مورد بعضی از وزراخانه‌ها نیز همین بلاکلیفی وجود دارد. اینکه یک وزیر نتواند درباره معاونان خود یا روسای بعضی از سازمان‌های مهم تابعه خود تصمیم بگیرد، نه تدبیر است و نه اعتدال.

تازان

گفت‌وگو / «هوشنگ امیراحمدی: ایران به «تله ترک مذاکرات» نیفتد»

پیش‌بینی کرده بودم که در عمل و در مرحله اجرای توافق ژنو «مسایلی حتماً پیش خواهد آمد»... واقعیت این است که هم توافقنامه مشکلائی دارد و هم دولت اوپاما که زیر آن را امضا کرده است. مثلاً، در توافقنامه متأسفانه صحبت از این شده است که آمریکا نمی‌تواند روی ایران در دوره شش ماهه آزمایشی مورد توافق، تحریم هسته‌ای بگذارد اما بحث روی تحریم‌های نوع دیگر نشده. متأسفانه قرارداد ژنو می‌تواند تله بزرگی برای ایران بشود. دولت باید بسیار مواظب باشد. مخالفان این توافقنامه تمام سعی خودشان را خواهند کرد که سنگ‌اندازی کنند و ایران را مجبور به عقب‌نشینی نمایند. هدف آنها در همه حال ایجاد وضعیتی خواهد بود که برای ایران قابل قبول نباشد و از اجرای توافقنامه سباز برزند. اگر این اتفاق بیفتد آن وقت ایران مقصر عدم اجرای توافقنامه اعلام خواهد شد و به‌عنوان ناقض توافقنامه گرفتار تحریم‌های بیشتری خواهد شد. به‌نظر من ایران اشتباه کرد که مذاکرات را در وین رها کرد. باید بدون توجه به این تحریم‌های جدید مذاکره را ادامه می‌داد. این درواقع باید تحت هر شرایطی به اجرای درست توافقنامه اصرار داشته باشدو نگذارد طرف مقابل آن را به قطع مذاکره و عملی نکردن توافقنامه وارد.

کیم

سر مقاله: «اعتدال کجای نامعاده ژنو است؟»

محمد ایمانی

اگر من بیابیه ژنو یک نامعاده فاقد توازن است، رفتار طرفین این بیابیه به مراتب نامتوازن‌تر است. ۲۰ روز بیشتر از انتشار این بیابیه نگذشته که حالا غربگرایان ورونامه ایرانی در سرمقاله خود صلیب می‌کشند و از حضرت عیسی‌مسیح(ع) برای بقای بیابیه‌استمداد می‌کنند.اعتدال و توازن در متن بیابیه دیده نمی‌شود چراکه حق صریح ایران طبق آن بی‌تی را به توافق بندهمت طرفین- که بعضاً گفته می‌شود ممکن است حتی ۲۰ سال طول بکشد-موکول کرده آن هم با محدودیت‌هایی نظیر گستره و سطح و ظرفیت و محل غنی‌سازی پس از سنجش نیازمندی عملی ایران! ساختار تحریم‌های بانکی و نفتی نیز که مساله دوم در این مذاکرات بود، دست‌نخورده سر جای خود باقی مانده و صرفاً قرار است اجازه دسترسی به ۴/۲میلیارددلار از ۱۰۰میلیارددلار درآید نفتی بلوکه‌شده ما را در قسط‌بندی شش‌ماهه فراهم کنند. در مقابل ایران تعهدات روشنی را در حوزه توقف یا کاهش بخش عمده‌ای از فعالیت‌های هسته‌ای از جمله در حوزه غنی‌سازی آ۲۰درصد و ۳/۵درصد، نصب سانترفیوژها، تکمیل رآکتور آب سنگین اراک و بازسازی‌های روزانه پذیرفته است. البته بیابیه هیچ ضمانت اجرایی ندارد اما بارها گفته به نقطه صفر اینگونه نیست که تمام عقب‌افتادگی‌های برنامه هسته‌ای ایران به‌طور اتوماتیک جبران شود؛ چیزی که اوپاما می‌گوید برای اولین‌بار پیش‌رفت هسته‌ای ایران را متوقف کردیم و حتی به عقب برگردانیم. ضمانت بیابیه و مرجع اعتراضی در صورت نقض بیابیه روشن نیست... بالاخره باید به این حقیقت برسیم که اگر چرخ سانترفیوژها تچرخد هیچ چرخ دیگری در حوزه عزت و استقلال و اقتدار و امنیت و پیشرفت ملی نخواهد چرخید.

مهر

یادداشت: «عزت ایران اسلامی را پاس بدارید»

مواضع اخیر آمریکایی‌ها اگرچه باور مسردم ایران بر غیرقابل‌اعتمادبودن آنها را یکبار دیگر اثبات کرد ولی تردیدی نمی‌توان کرد که اقدام آنها نمی‌تواند بی‌تاثیر از برداشت غلط آنها از محیط سیاسی و تحولات اخیر کشور باشد که حتی سناتوروزیر رژیم صهیونیستی هم به خود جرات و جسارت داده که بپنویان در مورد موضوع مذاکرات ایزان نظر کنند.برآورد نادرست نظام سلطه از نتیجه‌انتخابات یازدهم، وادایگی برخی از فعالان سیاسی و نشریات سرسیره‌مینی برقملمدادکردن نتیجه‌مذاکرات ژنوبه‌عنوان فتح‌الفتح، نگاه به بیرون مسوولان اجرایی و اعتقاد به اینکه کلید حل مشکلات کشور در سیاست خارجی است، اعلام خالی‌بودن خزانه و مهم‌تر از همه تحقیر ظرفیت و توان بازدارندگی دفاعی ایران اسلامی توسط مسوولان دستگاه دیپلماسی کشور و... مجموعه عواملی است که این تلقی را در ذهن ساکنان کاخ سفید ایجاد کرده است که با سیاست تهدید، تحقیر و البته تطمیع خود قادرند ایران اسلامی را از مواضع به‌حق و قانونی خود عقب‌نشانده و خود را تنها برنده این میدان نشان دهند.

شوق: «رابرت لوینسون» جدیدترین سوژه دیالوگ میان تهران و واشنگتن شده است. به ادعای آمریکایی‌ها او پس از ورود به جزیره کیش در سال ۲۰۰۷، ناپدید شده است. ادعایی که ایران بارها آن را رد کرده است. در همین حال برخی منابع خبری گزارش دادند که «جی کارنی» سخنگوی کاخسفید اعلام کرد که «باراک اوپاما، رییس‌جمهوری آمریکا در تماس تلفنی با حسن روحانی، رییس‌جمهوری ایران در حاشیه نشست سازمان ملل مساله رابرت لوینسون، فردی که به ادعای آمریکا در ایران ناپدید شده بود را مورد بررسی قرار داد». در همین رابطه «جان کری»، وزیرخارجه آمریکا با بیان اینکه «این مساله را از طریق مباحثی‌های خود پیگیری می‌کنیم»، گفت: «هرگونه اظهاراتی مبنی بر اینکه ما او را ترک کرده یا کسی از او حمایت نمی‌کند درست نیست، اگرچه این موضوع در سطح وزرا پیگیری نمی‌شود اما برای پیگیری این مساله کاتال‌های مختلفی به‌شدت فعالیت می‌کنند». او در ادامه با بیان اینکه «من فکر می‌کنم دولت ایران می‌تواند به ما برای پیداکردن وی

کمک کند»، گفت: «هیچ‌گونه نشانه‌ای مبنی بر اینکه ما از وی حمایت نمی‌کنیم، وجود ندارد». پنجشنبه‌شب خبرگزاری «آسوشیتدپرس» اعلام کرد که «لوینسون در زمان حضورش در ایران برای آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) کار می‌کرد و برخلاف آنچه مقامات آمریکایی مدعی شده بودند به‌کار شخصی مشغول نبود». این خبرگزاری، در گزارش خود گفته است که «اولین‌بار ارتباط لوینسون با سیا را در سال ۲۰۱۰ تأیید کرده و به ارایه گزارش برای فاش کردن جزئیات بیشتر ادامه داد». این خبرگزاری سه‌بار موافقت کرد که سه‌بار انتشار این خبر را به تأخیر بیندازد، زیرا دولت آمریکا اعلام کرده بود که در حال دنبال‌کردن سرخ‌های دلگرم‌کننده‌ای برای بازگرداندن او به کشور بود.

در واکنش به این گزارش، نمایندگی ایران در سازمان

کاخ سفید مدعی شد

لوینسون؛ موضوع گفت‌وگوی روحانی و اوباما

ملل‌متحد در ایمیلی به خبرگزاری آسوشیتدپرس، از دولت آمریکا خواست تا درباره مأموریت «رابرت لوینسون»- یک عضو سابق افبی‌آی که ادعا شده چندسال پیش در خاک ایران مفقود شده است، توضیح دهد. «علیرضا میریوسفی»، مسوول مطبوعاتی نمایندگی ایران در سازمان ملل‌متحد اعلام کرده که ایران اطلاعی درباره محل «رابرت لوینسون»، شهروند آمریکایی که ادعا می‌شود کارمند سابق سازمان سیا و افبی‌آی بوده و شش‌سال قبل در جزیره کیش مفقود شده است، ندارد. او ادامه داد: «ایران بنا بر ملاحظات امنیتی و بشردوستانه تلاش کرده ردپایی از لوینسون به دست آورد، ولی این تلاش‌های نتیجه‌یافته‌اند».

«جی کارنی»، سخنگوی کاخ‌سفید، روز جمعه «با

غیرمسئولانه‌داشتن گزارش آسوشیتدپرس»، گفته بود:

«قص‌ندارد چیزی بگوید که ممکن است به تلاش‌ها برای بازگرداندن لوینسون به خانه آسیبی بزند و گفت که این کار همچنان اولویت دولت آمریکاست و دولت آمریکا به تلاش‌ها برای دنبال‌کردن همه سرخ‌های تحقیقاتی ادامه می‌دهد». سایت لبنانی «النشر» به نقل از «کارنی» گفته است: «آخرین نشانه‌های موجود درخصوص زنده‌بودن لوینسون به سال ۲۰۱۱ برمی‌گردد که کاخ‌سفیداطلاعاتی را دریافت کرد مبنی بر اینکه این فرد در جنوب‌غربی آسیای‌زندانی است. در آن زمان هیلاری کلینتون، وزیر امورخارجه آمریکا خواهان بازگشتش شده بود.»

با این وجود، «خبرگزاری فرانسه» می‌گوید نحوه

جمله‌بندی «جی کارنی»، به‌گونه‌ای بود که به‌طور کامل

همکاری «لوینسون» با این سازمان را نفی نمی‌کرد.

همچنین «سی‌ان‌ا» نیز به نقل از «کریس وایت»،

سخنگوی «سیا» گفت: «اما هیچ اظهارنظری درباره

ارتباط احتمالی بین لوینسون و دولت آمریکا نداریم.

دولت آمریکا همچنان به بازگرداندن او به خانواده‌اش در

صحت‌وسلامت کامل متعهد است.»

توصیه‌های حجاریان به روحانی و روشنفکران

رخ داد، اشاره کرد و گفت: «این مصادیق نشان می‌دهد بخشی از جامعه ما مریض است و باید مداوا شود. فحاشی و هتاکي و نزاع در جامعه گسترده شده، در حالی‌که در گذشته این مقوله کمتر بوده است. به نظر من بیکاری یکی از دلایل وجود این رفتارهای بیمارگونه‌است.»

در دادگاه سال ۸۸ قستم که نفرت، مشکل جامعه ماست

او ادامه داد: «عرب‌ها ضرب‌المثلی دارند مبنی بر اینکه «الایدی المتعطله تخلق السنه لانغه»، یعنی «دست‌های بیکار، زبان‌های گزنده را خلق می‌کند». باید یاری مداوی اینگونه رفتارها، نهادی ایجاد کرد و موعظه‌گری اثری ندارد. آسیب‌های اجتماعی، بخشی از جامعه‌شناسی سیاسی است که به دنبال مقابله با این پدیده‌هاست اما اکنون با این رشته علمی برخورد می‌شود و کار پژوهشی در این زمینه صورت نمی‌گیرد، من در آن دادگاه سال ۸۸ هم گفتم که نفرت، مشکل جامعه‌ماست. اگر کینه و نفرت وجود داشته باشد، ایران هم مثل برخی کشورها نظیر سوریه و لیبی دچار جنگ‌های داخلی می‌شود.»

«ماندلا» سینه‌بای بی کینه داشت

حجاریان با اشاره به درگذشت «نلسون ماندلا»، رهبر آزادیخواهان آفریقای جنوبی گفت: «ماندلا» سینه‌ای بی کینه داشت و به همین دلیل توانست بر مردم آفریقا اثر گذار باشد. امروز مشاهده می‌کنیم که برخی مداحان کشور که روی جوانان هم تاثیر گذارند، فحاشی می‌کنند. حاکمیت نباید اجازه بروز چنین رفتارها و اظهارنظرهایی را به چنین افرادی بدهد. این فعال سیاسی بر لزوم درود قانونی علیه نفرت در جامعه اشاره کرد و افزود: «در حال حاضر قانونی درباره نفرت در مورد قومیت‌ها و تفرقه‌افکنی میان آنها وجود دارد ولی چنین قانونی به‌طور عمومی برای کل جامعه وجود ندارد و این یک نقص است. باید چنین قانونی را برای کل جامعه وضع کرد و اجازه نداد کسانی در جامعه بسز کینه، نفرت و نفایک بکارند.» او همچنین گفت: «باید جامعه را به سمت اخلاقی شدن پیش ببریم؛ آموزش‌وپرورش و آموزش عالی باید گروه‌های مرجع مناسبی برای تربیت فرزندان باشند ولی در حال حاضر عملاً تنها خانواده‌ها نقش گروه مرجع را ایفا می‌کنند که آنها هم در گیر مشکلات زیادی نظیر مشکلات اقتصادی هستند.» این تحلیلگر مسایل سیاسی در ادامه با بیان اینکه «در زمان ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، آموزش‌وپرورش و آموزش عالی باید گروه‌های مرجع جامعه قطبی شده بود اما اکنون جامعه متعادل است»، گفت: «در سخنرانی رییس‌جمهور در دانشگاه شهید بهشتی دیدیم که نماینده‌های هر دو طیف سیاسی در داخل سالن حضور داشتند و شعارهای خود را نیز سر دادند و بعد از مراسم هم بدون درگیری هریک به دنبال کار خود رفتند، در حالی‌که قبلاً این اتفاق نمی‌افتاد و حتما درگیری

بین طرفین پیش می‌آمد.» او افزود: «در گذشته، یک طیف کاملاً موافق برقراری رابطه با آمریکا و دیگری مخالف این رابطه بود اما اکنون، دیدگاه‌ها به یکدیگر نزدیک شده و دو طرف به دنبال ایجاد رابطه‌ای معقول با آمریکا هستند. در واقع هستش که این دو طرف هم به پخته کرد و بعدی می‌دانم برخی اتفاقات باز هم تکرار شود و دیگر درگیری و ترور در جامعه به وجود بیاید، مگر اینکه اوضاع اقتصادی کشور مشوش شود.»

نان عده‌ای در دعوا، تفرقه و کینه‌ورزی است

حجاریان در پایان گفت‌وگوی خود گفت: «در مورد کینه‌ورزی، بحث هزینه و فایده مطرح می‌شود. به طور مثال، در سوریه کینه‌توزی برای القاعده فایده زیادی دارد اما برای مردم سوریه هزینه دارد. در واقع نان عده‌ای در دعوا، تفرقه و کینه‌ورزی است و این همان است که می‌گویند تغاری بشکنند، ماستی بریزند، جهان گردد به کام کاسه‌لیسان». باید هزینه کینه‌توزی در جامعه را افزایش داد و تبعات اجتماعی و حقوقی برای کینه‌ورزی ایجاد کرد تا شاهد تفرقه‌افکنی و کینه‌ورزی در جامعه نباشیم.»



مردم باشند»، گفت: «به طور مثال در قضیه سازمان تامین اجتماعی باید مشخص شود که چه نمایندگانی پول گرفته‌اند؛ البته این شفاف‌سازی باید با تدبیر انجام شود».

رفع حصر ایت‌الله منتظری کار روحانی بود

او همچنین به برخی انتقادات از گزارش و همچنین عملکرد رییس‌جمهور مبنی بر اینکه چرا آقای روحانی درباره مساله رفع حصر یا آزادی فعالان سیاسی زندانی گزارش نداده است، اشاره کرد و گفت: «آقای روحانی رییس شورايعالی امنیت ملی است و می‌تواند موثر بمباران کرد و ژنرال فرانکو توانست آن را اشغال کند. پیکاسو آن زمان، در پاریس نمایشگاهی برپا کرده و تابلوی «گرنیکا» را در آنجا به نمایش گذاشته بود. یک افسر آلمانی به نمایشگاه آمد و از پیکاسو پرسید «این تابلو کار شماست؟» و پیکاسو در جواب گفت «خیر، کار شماست». حالا هم وضعیت اینچنین است؛ شخص دیگری سیاه‌کاری و سیاه‌بازی کرده و وقتی بخشی از آن سیاه‌های بیان می‌شود، می‌گویند سیاه‌نمایی است.»

منتقدان دولت نمی‌خواهند مردم از واقعیت‌های کشور خبردار شوند

حجاریان با بیان اینکه «منتقدان دولت نمی‌خواهند مردم از واقعیت‌های کشور خبردار شوند»، گفت:

«این به آن علت است که آنها مردم را نامحرم می‌دانند ولی به هر حال مردم با «جیب» خود واقعیت جامعه را درک می‌کنند او در ادامه، به موضوع «مدیریت مطالبات از دولت» اشاره و تأکید کرد: «بیان مطالبات، به مردم تعلق دارد نه مجلس شورای اسلامی یا اصلاح‌طلبان. دولت باید ببیند که مردم در حال حاضر در آینه چه می‌خواهند. دولت باید پیگیری مطالبات مردم باشد و به بحث‌های خلاف مطالبات مردم توجه نکند. دولت چنین کاری می‌کند و اگر اینچنین باشد، این نوع دولت را می‌توان دولت ملی نامید». حجاریان با اشاره به طرح برخی موضوعات در مجلس برخلاف روند حرکت دولت، گفت: «نمایندگان بر خلاف خواست مردم حرف بزنند و عمل کنند و بعد آن وقت ببینند آیا مردم درحوزه‌های انتخابیه‌شان آنها را به شهرشان راه می‌دهند؟ اگر این کار را نکنند مردم آنها را حتی به شهرهایشان راه نمی‌دهند. معتقدم حتی اگر قرار باشد قانون اساسی عوض شود، باید شرایطی فراهم شود تا مانند بسیاری از کشورها، دولت بتواند مجلس را منحل کرده و انتخابات زودهنگام برگزار کند تا مردم مجدداً رای دهند و سیستمی هماهنگ پدید آورند.

از ارایه این گزارش عده‌ای روحانی را متهم کردند که او «سیاه‌نمایی» کرده است. «سیاه‌نمایی» یک گزاره است که با ناظر بر «نشر اصادیق» است، با ناظر بر «نشر اکاذیب». شاید منظور آنها این بوده که روحانی «نشر اکاذیب» کرده و اگر اینگونه باشد، رییس‌جمهور باید دادگاهی شود. اما سیاه‌نمایی به معنای بیان کردن سیاهی‌ها و تباهی‌هاست، یعنی کسی جرمی مرتکب

ادامه از صفحه اول

نقدی بر قانون نظارت بر رفتار نمایندگان

زیرا قید عبارت «غیرمتعارف» در ماده ۳ و نیز به «ناحق» در تبصره یک ماده ۶ جان تپان تفسیرهای متعدد و متفاوتی دارد که می‌تواند مانع از تحقق هدف این قانون، یعنی مسوولیت‌پذیری نمایندگان در قبال رفتارهای خود باشد. همین ایراد در ماده ۴ این قانون در کلمه «سوءاستفاده» نیز وجود دارد. در چنین حالتی عجیب نیست که در بحث‌های مختلف رایج‌به این موضوع به این قانون کمتر اشاره شده یا اصلاً اشاره نشده‌است زیرا موضوع همچنان بلا تکلیف است. علاوه بر مجمل و مهیبه‌بودن این عبارت، مساله مهم دیگر این است که تفسیر این عبارت به غایت مجمل، برعهده هیاتی است که اعضای آن به احتمال بسیار زیاد از میان گرایش اکثریت حاکم بر پارلمان تشکیل می‌شود.

خاصه اینکه مرجع تجدیدنظر از احکام این مرجع بدوی، هیاتی است مرکب از اعضای هیات‌ریسه مجلس و روسای کمیسیون‌های دایمی آن. صرف‌نظر از این ایراد، ساختاری که در کوتاهمدت به‌دلالی که مجال ذکر آن نیست نمی‌توان برای آن چاره‌ای اندیشید اما می‌توان مانند سایر کشورها قانون نظارت بر رفتار نمایندگان را از اجمال و ابهام کنونی خارج کرد. نگارنده در تحقیق مفصل دیگری که به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس انجام داده است (و در سایت این مرکز قابل دسترسی است) به تفصیل، رویه سایر کشورها را در این باره توضیح داده است و متذکر شده است که انجام نظارت کارآمد بر رفتار نمایندگان، منوط به این است که از قبل، کندهای رفتاری دقیق و مفصلی تدوین و تصویب شود. این کندها در برخی کشورها گاه بیش از صدها ماده است که در آن تکلیف تحصیل، نگهداری و انتقال دارایی‌های نمایندگان اعم از اموال منقول و غیرمنقول، امکانات، امتیازات، هدیه‌ها و حتی هزینه‌های مسافرت و مجالس نمایندگان و خویشان‌ولادن و نزدیکان ایشان و لزوم یا عدم لزوم اعلام و ثبت آنها و نصاب هریک را به تفصیل اعلام کرده است. حتی در برخی کشورها برای ایجاد شفافیت در عملکرد نمایندگان و پیشگیری از بروز شایعات مخرب این اطلاعات را به‌طور نظام‌مند در دسترس عموم قرار می‌دهند. برای مثال نمایندگان مجلس عوام انگلستان فقط زمانی مکلف به اعلام هدایای دریافتی مرتبط با سمت نمایندگی هستند که میزان آن از یک‌درصد حقوق سالانه نمایندگی تجاوز کند یا در کنگره آمریکا، اعضای مجلس نمایندگان نباید هیچ هدیه‌ای که ارزش آن بالاتر از صدلار باشد در یافت کنند.والا متخلف محسوب می‌شوند. مطالعات انجام‌شده در میان ۲۷کشور عضو اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ۲۰کشور برای نظارت بر سفرهای نمایندگان پارلمان قواعدی وضع کرده‌اند. متأسفانه به‌نظر می‌رسد قانون «نظارت بر رفتار نمایندگان» با ۱۲ ماده که مواد کلیدی آن بسیار مجمل و مبهم است قادر نباشد از اعتبار، حیثیت و سلامت یکی از مهم‌ترین ارکان دموکراسی محافظت‌کند.

چرا نجفی از عملکرد مشایی دفاع می‌کند؟

گویسا انتخاب قائم مقام و معاون میراث فرهنگی که از پیشکسوتان و متخصصان این حوزه است، یک استثنا تلقی می‌شود یا احیاناً راهکاری از پیش اندیشیده برای انتصابات بعدی بوده است. برخی از این انتصابات چندان غیرمترقبه هستند که نمی‌توان توجیهی جز تاثیر لابی‌های خارج از سازمان و سوابق رفاقتی برای آنها پیدا کرد.

۲- حدود چهار ماه پس از استقرار آقای نجفی در سازمان میراث فرهنگی، هنوز سیاست‌های کلان و چشم‌انداز آتی سازمان تدوین یا دست‌کم اعلام نشده است. در این فضای پرباهام، سخنان آقای نجفی پیش از آنکه معطوف به اعلام برنامه‌ها باشد، یادآور اظهارات غیر تخصصی و حاشیه‌ساز نخستین رییس سازمان در دولت محمود احمدی‌نژاد است. حضور ذوهنگام آقای نجفی در صدا و سیما و پذیرش گفت‌وگویی غیر تخصصی و ورود غیر لازم به موضوع «قایلان» که حاشیه‌های فراوان به همراه داشت، اعلام «رود سالانه ۴۰۰میلیون گردشگر به ایران» و نیز اظهارات دو روز پیش، نمونه‌هایی از این دست هستند.

۳- روابط تخریب‌شده سازمان با سرمایه اجتماعی و عقیه رسانه‌ای خود هنوز بازسازی نشده و همچون ماه‌های نخست دوره آقای مشایی، شکننده و در آستانه تنش است. اگرچه سوابق فکری و مدیریتی آقای نجفی حاکی از توجه ایشان به افکار عمومی و تعامل با رسانه‌هاست، اما بخش‌هایی از سازمان که باید انتقال‌دهنده افکار عمومی و کارشناسی به رییس سازمان و تسهیل‌کننده روابط رسانه‌ای او باشند، یا توجیهی به این مهم ندارند یا با اختیارات دور از انتظاری که به آنان داده شده، مشغوف و سرگرم به امور دیگری هستند.

با چشم‌انداز کنونی، پیش‌بینی محمدمعلی نجفی مبنی بر اینکه عملکرد او در آق چهار سال آینده نهایتاً کمی بهتر از عملکرد آقای مشایی خواهد بود، درست است. اما مشکل اینجاست که پایگاه اجتماعی دولت تدبیر و امید، انتظاراتی به مراتب بیشتر دارد و باید است که ریاست محترم جمهور به این مقدار قانع باشد. همجاست اعتبار آن جناح سیاسی که خاستگاه آقای نجفی تلقی می‌شود، ایجاب می‌کند که ایشان کارنامه بهتری را از خود برجای گذارند. باوجود همه مشکلات و مواقع موجود، رسیدن به افقی روشن دور از دسترس نیست؛ اگر آقای نجفی در اداره سازمان متبوع خود کار را به کاردان بسپارند و به متخصصان میدان بیشتری بدهند.